

آسیب شناسی ظهور و کارکرد نخستین جراید تشکیلاتی ایران در دهه اول مشروطیت

صادق زیباکلام*

استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

علیرضا باقری ده‌آبادی

کارشناسی ارشد ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

(تاریخ دریافت: ۱۶/۷/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۶/۱۱/۶)

چکیده:

ظهور و کارکرد جراید تشکیلاتی در ایران از مباحث مهم است که به دلیل ارتباط وثیق آن با احزاب سیاسی تاکنون به صورت شایسته به آن پرداخته نشده است. این مطبوعات اگرچه پس از انقلاب مشروطیت از نمودی آشکارتر برخوردار شدند، اما با شواهد موجود، مشخص می‌شود که این مطبوعات پیش از انقلاب مشروطه و قبل از آنکه احزاب سیاسی به صورت رسمی فعالیت نمایند، در ایران منتشر می‌شدند و حتی نام برخی از آنها برخاسته از گروه‌های سیاسی بود. در عین حال به دلیل نقش این مطبوعات و تاثیر آنها بر فضای ملتهب سال‌های آغازین مشروطیت، مطالعه عملکرد آنها در سه حوزه انتقادی، سیاسی و اجتماعی و کارکرد حزبی می‌تواند به درک بهتر تحولات دهه اول مشروطیت از زاویه عملکرد مطبوعات تشکیلاتی کمک شایان نماید.

واژگان کلیدی:

انقلاب مشروطه - مطبوعات ارگان - انجمن‌های سیاسی - انجمن‌های مخفی - احزاب سیاسی - رادیکالیسم سیاسی - قانون مطبوعات - استبداد صغیر - جنگ جهانی اول - مجلس شورای ملی - قانون اساسی

Email: zibakalam1@yahoo.com

فکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

* نویسنده مسئول:

از این نویسنده تاکنون مقاله زیر در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتشر شده است:
"حاکمیت قاجارها، امیرکبیر و اصلاحات"، سال ۷۹، شماره ۵۰؛ "بازنگری اقتصاد، سیاست و جامعه ایران در آستانه قرن نوزدهم"، سال ۸۰، شماره ۵۲.

مقدمه

ظهور و کارکرد مطبوعات تشکیلاتی در ایران معمولاً در میان مباحث مطرح در این بخش همواره به پس از تولد احزاب سیاسی در ایران نسبت داده شده است. حال آنکه با شواهدی که در این تحقیق نشان داده خواهد شد؛ مطبوعات تشکیلاتی برخلاف نظر غالب فعلی، در یک شرایط خاص تاریخی و پیش از تولد احزاب سیاسی در ایران بوجود آمدند. تا جائیکه حتی پیش از انقلاب مشروطیت با جرایدی مواجه هستیم که نام آنها با تشکیلات و انجمن های فعال آن عصر یکسان بوده است. در این میان، مقارن انقلاب مشروطه به دلیل انبساط فضای سیاسی در کشور «کم کم شب نامه نویسی از میان رفت و این بار نوبت به انجمن سازی رسید» (کسروی، ۱۳۶۲، ۲۶۵). به طوریکه از حیث تعداد آنقدر بر تعداد آنها افزوده شد که خبرنگار روسی مستقر در ایران، آمار آنها را بالغ بر ۳۰ هزار انجمن بر آورد کرد. اگر چه فریدون آدمیت این آمار را در کتاب ایدئولوژی نهضت مشروطیت قابل تضمین نمی داند (آدمیت، بی تا، ص ۱۳۲) اما به خوبی نشان دهنده تعداد فراوان انجمن ها در آن دوره است. ظهور انقلاب مشروطه تا حد فاصل انحلال مجلس سوم، چند ویژگی مشخص تاریخی دارد و ارزیابی عملکرد مطبوعات در سه دوره مورد نظر می تواند به سطح تحلیل در خصوص کارکرد مطبوعات در کشور کمک شایان کند. در مجموع، مقطع ده ساله مورد نظر در این پژوهش از آن جهت دارای اهمیت است که هر سه مجلس مشروطه فرصت پایان کار را پیدا نکردند و از سویی در این دوران شاهد انواع مختلف حیات روزنامه نگاری و تکامل آنها به سویی حزبی شدن هستیم.

طرح مسئله

در تاریخ معاصر ایران ارتباط تنگاتنگ احزاب سیاسی و مطبوعات وابسته مجال چندانی برای بررسی جراید تشکیلاتی فراهم نکرده است. به عبارتی در کالبد شکافی عملکرد احزاب سیاسی در ایران، موضوع کارکرد مطبوعات وابسته همواره در حاشیه بوده و نوعی تقدم کاذب به نفع احزاب ایجاد کرده است. بدون تردید، نتیجه در پیش گرفتن چنین شیوه ای تنزل سطح تحلیل نسبت به واقعیت های تاریخ معاصر را به دنبال خواهد داشت که چه بسا زمینه های انحراف آنها نیز فراهم می کند. از سویی آگاهی از این موضوع که پیدایش نخستین رگه های مطبوعات ارگان در تاریخ ایران مقدم بر تاسیس احزاب بوده حاکی از آن است که تا چه اندازه تحقیقاتی که معطوف به بررسی عملکرد احزاب بوده اند اما نقشی حاشیه ای برای مطبوعات وابسته قائل شده اند، می توانند آسیب پذیر باشند.

جریان شناسی تحول در نخستین جراید ایرانی

معمولاً در تمام آثار منتشر شده درباره تاریخ مطبوعات ایران تا پیش از مشروطه همواره تقسیم بندی مطبوعات در دو دوره عصر ناصری و مظفیری محدود شده است. نیم قرن سلطنت ناصرالدین شاه این فرصت را بوجود آورد که افرادی چون میرزا تقی خان امیرکبیر و بویژه میرزا حسین خان سپهسالار به اندازه‌ای در زمینه مطبوعات نقش آفرینی کنند که نام آنها در تاریخ و در پیوند با موضوع مطبوعات در ایران جاودان شود. ویژگی اساسی مطبوعات دوره ناصری در دو بخش قابل بررسی است: بخش نخست که از سال ۱۲۶۸ هجری آغاز تا سال ۱۲۸۸ هجری ادامه می‌یابد، در برگزیده مطبوعات دولتی بود که به نوعی منافع دولت و حکومت در آنها مسطور بود. بخش دیگر که عمدتاً مطبوعات دولتی و نیز غیردولتی را شامل می‌شد از اهمیت زیادی برخوردار بود. چرا که حرکت به سوی سیاسی شدن و نوشتن مطالب آزاد و انتقادی اندک‌اندک به روزنامه‌ها راه یافت. با این حال در تمام این سال‌ها که روزنامه‌های دولتی منتشر می‌شدند علی‌رغم اجبار فراوان حکومت جهت خرید آن به دلیل فقدان جذابیت و سانسور گسترده خبری مورد اقبال عمومی واقع نمی‌شد. تا جائیکه «روزنامه‌های دولتی حتی در میان ماموران و نمایندگان دولتی نیز خریدار چندانی نداشت» (محیط طباطبائی، ۱۳۶۶، ص ۱۶). شاید هیچ نوشته‌ای به اندازه یکی از نامه‌های میرزا حسین خان سپهسالار به ناصرالدین شاه در دورانی که وی سفیر ایران در عثمانی بود نتواند در جهت شناساندن اوضاع مطبوعات آن عصر موثر باشد. «..... از هنگام تاسیس روزنامه، وقایع بزرگ دنیا را ملت ایران اطلاع حاصل نموده و روزنامه یک کلمه از این تحولات عظیم اروپا درج نکرده تا چه رسد به وقایع اتفاقیه که بر سبیل استمرار در دول خارجه حاصل می‌شود و هر وقت روزنامه دارالخلافه، اخباری از دول خارجه خواست درج نماید تفحص نمود یک حکایت مضحک که به هیچ وجه دخلی به اخبار ندارد درج نمود به هیچ وجه در داخله مملکت منافی که از روزنامه مطلوب است و باید به اطلاع و وقایع دنیا بوده، اسباب ترقی یک ملتی واقع بشود، حاصل نشده و در خارجه اسباب مسخره است» (خان ملک ساسانی، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۶۹).

در این دوران برای نخستین بار روزنامه‌هایی پا به عرصه حیات گذاشتند که رسماً عدم وابستگی خود را به کانون‌های قدرت ابراز می‌کردند و در مطالب خود به اندازه‌ای متفاوت از جریان متعارف مطبوعات کشور عمل می‌کردند که یکی از این روزنامه‌ها بنام «وطن» آنقدر ستایش لرد کروزن نویسنده انگلیسی را برانگیخت که گفت:

«..... روزنامه وطن از شگفتی‌های تاریخ روزنامه نگاری است» (کهن، ۱۳۶۲، ج ۱،

ص ۶۷). در سرمقاله این روزنامه برای نخستین بار به دو نکته مهم اشاره شد. «به هیچ دسته‌ای

منتسب نیستیم و نمی‌خواهیم که به جایی منتسب باشیم هر کس مظهر حق و قانون باشد، از او حمایت می‌کنیم ولی اگر اعمال او بر خلاف حق و قانون بود، به انتقاد و ملامت او قیام می‌کنیم» (مجله یادگار، سال یکم، شماره ۷، صص ۱۷-۱۵). در تاریخ آمده است هنگامی که این سرمقاله برای ناصرالدین شاه خوانده شد بی‌درنگ دستور توقیف روزنامه را صادر کرد. در این رابطه اشاره روزنامه وطن که صریحا اعلام می‌داشت به جایی وابستگی ندارد حاکی از آن است که مطبوعات دوران ناصری معمولا برای چاپ و نشر مطالب خود باید به کانون قدرت متصل باشند. به همین دلیل از آنجا که هنوز احزاب متولد نشده بودند، باندهای قدرت عامل مهم در تاثیر گذاری بر روند مطبوعات به شمار می‌رفتند. به این ترتیب تنگ شدن عرصه برای بسیاری از روشنفکران و اصلاح طلبان وضعیتی را در تاریخ مطبوعات بوجود آورد که آنها ترجیح دادند خارج از کشور به فعالیت خود ادامه دهند. مطبوعات خارج از کشور در این دوره دارای چند خصوصیت بودند. «اول اینکه مندرجات آنها بیشتر جنبه اجتماعی و سیاسی و تفسیری داشت و بیشتر به اخبار دولتی و داخلی و خارجی می‌پرداختند. دوم اینکه نویسندگان همه آزادیخواه و مشروطه طلب و خواستار الغای حکومت استبدادی در ایران بودند. در مرحله سوم هم جراید این دوره و هم نویسندگان آن بر رقابت تحت تاثیر سیستم اجتماعی و سیاسی اروپا قرار داشتند و مهم‌تر از همه مطبوعات این دوره با مطالب خود توانستند بین روحانیون و روشنفکران ایرانی در اروپا و تحصیل کردگان خارجی در ایران پلی ایجاد کنند.....» (مولانا، ۱۳۵۸، صص ۱۱۰-۱۰۹). اتفاق بسیار مهمی که در دوران ناصرالدین شاه روی داد تشکیل انجمن‌های مختلف بود. در این زمان دو نوع انجمن در کشور فعال بودند. نخست انجمن‌هایی که کارکرد آنها صرفا محدود به مسائل فرهنگی بود و دیگری انجمن‌هایی بودند که بدلیل کارکرد سیاسی آنها نوعا سری و مخفیانه اداره می‌شدند. انجمن‌های دسته اول که عمدتا ماهیتی دولتی داشتند در جهت تبلیغ فعالیت‌های فرهنگی حکومتی گام بر می‌داشتند و برای تبیین مقاصد خود روزنامه نیز در اختیار داشتند. انجمن معارف که در ۱۳۱۶ه.ق تاسیس شده از جمله انجمن‌هایی بود که روزنامه‌ای به نام «معارف» را منتشر می‌کرد. یحیی دولت‌آبادی از اعضای این انجمن در خصوص این روزنامه می‌نویسد: «..... این خیال (تاسیس روزنامه معارف) از پیش در انجمن معارف شده بود و احتشام السلطنه به اجرای آن موفق نگردید. اینک مفتاح الملک اجازه آن را از دولت صادر می‌نماید روزنامه معارف در یک ورقه کوچک راجع به جریان امور معارفی در ظاهر و در باطن نماینده مدرسه افتتاحیه و هر چه در آنجا می‌گذرد با طبع سنگی دایر می‌گردد.....» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ج ۱، صص ۲۳۷ و ۲۳۹) در واقع برای نخستین بار

در دوران سلطنت ناصرالدین شاه رسماً یک روزنامه به عنوان ارگان یک انجمن به رسمیت شناخته می‌شود که در نوع خود تحولی مهم برای در کارکرد مطبوعات آن دوره محسوب می‌شود به طوریکه بسیاری از انجمن های قبل و پس از مشروطه با سر لوحه قرار دادن این اقدام انجمن معارف اقدام به انتشار جرایدی هم نام با عنوان انجمن کردند. صرف نظر از انجمن‌هایی که آشکارا مقاصد خود را تعقیب می‌کردند تشکیلاتی پنهانی تحت عنوان انجمن سری و انجمن مخفی نیز وجود داشت که هسته های اولیه مطبوعات انقلابی در آنجا پی ریزی شد. این گونه تشکیلات بدلیل ماهیت پنهانی که داشتند طبیعتاً نمی توانستند روزنامه و نشریه‌ای مشخص داشته باشند اما از مطالبی که در کتب تاریخی به جای مانده خصوصاً اصول دهم و یازدهم نظام نامه انجمن مخفی که سال ها بعد افشا شد این انجمن «بنیاد مطبوعات و شب‌نامه‌های مخفی را در تهران و شهرستان‌ها گذاشت و از نویسندگان و انقلابیون خواست با روزنامه های ملی خارج از کشور تماس پیدا کنند و هم چنین از وضع نامطلوب ایران مقالاتی در روزنامه‌های خارجی چاپ نمایند و» (مولانا، ۱۳۵۸، ص ۱۲۷).

دوران مظفری که انتهای آن به انقلاب مشروطه ختم می‌شود از این نظر واجد اهمیت است که برای نخستین بار و به‌طور رسمی روزنامه‌هایی با عنوان آزاد و غیردولتی به ظهور رسیدند که این مسئله نیز بدلیل صدرات یکساله امین الدوله رخ داد. با وجود این، باید توجه داشت که این آزادی در چارچوبی مشخصی محدود بود و مطبوعات داخلی همچنان افتان و خیزان به حیات خود ادامه می‌دادند.

انقلاب مشروطه این فرصت تاریخی را بوجود آورد که کانون مطبوعات ملی که سال‌ها در خارج از کشور و در ممالک همسایه از جمله عثمانی و هندوستان قرار داشت به داخل ایران منتقل گردد (پیشین، ص ۱۲۷). در فاصله زمانی میان افتتاح مجلس در ماه شعبان ۱۳۲۴ بر اثر پافشاری نمایندگان دوره اول، نخستین روزنامه آزاد در زمان مظفرالدین شاه و به دستور وی منتشر گردد. از آنجا که این رویداد در تاریخ مطبوعات از اهمیت برخوردار است به قسمتی از آن اشاره می‌شود. «جناب اشرف صدراعظم، چون روزنامه موسومه به مجلس که اجازه طبع آن داده شده است، اول روزنامه است که در هر گونه مقالات مفیده راجع به خیر عامه و مصالح امور ملکیه و ملیه و حفظ شرایط دولتخواهی به آزادی قلم مخصوص و ممتاز خواهد بود.....» (ذاکر حسین، ۱۳۷۰، ص ۶۶). همانطور که از متن این فرمان بر می‌آید، روزنامه مجلس نخستین روزنامه‌ای بوده که آزادی قلم آن توسط حکومت در آن به رسمیت شناخته شده است. روزنامه مجلس دو ویژگی مهم داشت. نخست اینکه این روزنامه همانطور که از نام آن مشخص است اختصاص به مجلس داشته و به نوعی نخستین روزنامه پس از مشروطه بوده

که به دنبال ایجاد یک تشکیلات بوجود آمد. دومین ویژگی این روزنامه به نقش آن در گشودن فضای بسته سیاسی و کارکرد در راستای اهداف آزادیخواهان باز می‌گشت.

مطبوعات رادیکال پارادوکس مشروطیت

با گذشت قریب یک سال از انقلاب مشروطیت، موج تاسیس روزنامه‌های جدید فزونی یافت. اما چهار روزنامه حبل‌المتین، صوراسرافیل، مساوات و روح القدس اولاً از تمام روزنامه‌های این دوره معروف‌تر بودند. ثانیاً عملکرد این چهار روزنامه نقش بسیار زیاد در حوادث پس از مشروطه داشت. به نحوی که یکی از دلایل مهم رویکرد سازمانی مطبوعات در مجلس دوم متأثر از مشکلاتی بود که در نوع کارکرد جراید رادیکال وجود داشت.

روزنامه‌های رادیکال در این دوره دو خصلت داشتند: نخست آنکه عمده مدیران آنها مانند میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل و سید رضا مساوات از گروه‌های انقلابی (اجتماعیون عامیون) بودند. از سویی، تمامی آنها بدلیل تجربه روزنامه‌نگاری در خارج از کشور و انزجار از فضای قبل از مشروطه، آشنایی بسیار زیاد با تحولات سیاسی کشور و شرایط بین‌المللی داشتند. اما روش تحریریه این چهار روزنامه به اندازه‌ای افراطی بود که محقق‌هایی چون فریدون آدمیت یکی از عوامل مهم سقوط مجلس اول را متأثر از عملکرد این گونه جراید دانسته است (آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت). این مطبوعات در سایه آزادی به دست آمده پس از مشروطیت به اندازه‌ای در نوشتار خود تندروی کردند که کمترین هزینه حملات بسیار شدید و بی‌سابقه آنها به نهادهای قانونی چون مجلس، پادشاه و دولت منجر به تدوین محافظه‌کارانه قانون مطبوعات در سال ۱۳۲۶ شد. نکته‌ای مهم که در خصوص کارکرد این مطبوعات باید مورد نظر قرار گیرد توجه به این مطلب است که اساساً آنها خیلی زود با مشاهده برخی نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی احساس کردند تمام مجاهدت‌ها برای به بار نشستن نظام مشروطه بی‌حاصل بوده است. برای نمونه روزنامه روح القدس در یکی از مقالات معتدل خود نوشت: «الان وطن عزیز ما را نمی‌توان مشروطه گفت، نمی‌توان جمهوری گفت، نمی‌توان مستقله گفت. باید هرج و مرج و ملوک الطوائف خواند مگر غرض از این همه صدمات و خسارات جز رفع ظلم و نشر عدل بود؟ مگر مقصود از خواستن مشروطه غیر از برچیدن بساط استبداد و انبساط اساس عدل و داد است؟ اگر قلع و قمع ظلم و استبداد را خواهان و نشر عدل و داد را خواسته بودید دانسته و آگاه باشید که این شجره خبیثه ریشه خود را در اعماق مملکت دوانیده و ابداء علامتی از مشروطیت و قانون و محدودیت در کار نیست. از امروز فرد فرد ما خود را مهیا برای قلع و قمع این ماده خبیثه نماییم و فرق میان مکلا و معمم نگذاریم. وکلای خود را آنی فارغ نگذاشته، عوض موقوف کردن بستنی

فروشی و مذاکرات لاطائل وضع قوانین را که از وظایف حتمیه آنهاست، بخواهیم و قوه مجریه را نیز مجبور به اجرای آن کنیم.....» (روح القدس، ۳۲۶، ق، صص ۳ و ۴).

درج این مطالب که موجب تهییج فراوان جامعه و گسترش مخالفت با نهادهای تازه تاسیس نظام مشروطه می‌گردید، نهایتاً آثار خود را بر جای نهاد. به طوری که این مسئله باعث شد موضوع عملکرد مطبوعات و آزادی مصرحه آنها در قانون اساسی به یکی از جنجالی ترین مباحث میان مشروطه خواهان و مخالفین آنها تبدیل شود. نکته مهم در خصوص ارزیابی عملکرد مطبوعات رادیکال ناظر بر این واقعیت است که علی‌رغم دارا بودن هیات تحریریه بسیار قوی، هیچ‌گاه در چارچوبی مشخص، خاص خود را تعقیب نکردند و اساساً هیچ برنامه‌ای مشخص را در نوشته های خود ارائه نمودند.

بررسی روابط انجمن ها و جراید هوادار آنها

پیش از تاسیس احزاب سیاسی در ایران در واقع انجمن‌ها خلاء احزاب را پر می‌کردند و در این میان برخی جراید در یک همسویی موزون با این انجمن‌ها اهداف مشترک را تعقیب می‌کردند.

از وظایف عمده انجمن‌های صدر مشروطه همانطور که در بخش‌های گذشته آمد، تهیه مقالات افشا کننده و بیدارکننده برای چاپ در جراید آزاد بود که در بیرون از ایران منتشر می‌شدند. مطالعه بسیاری از مطبوعات این دوره نظیر قانون، جبل‌المتین و از اهداف انجمن‌های مخفی بود (کهن، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۳۰). یکی از دستورهای مهم انجمن‌های سری پیش از مشروطه این بود که اعضای آن در مرکز جمع شده و روزنامه‌های ممنوعه داخل و خارج کشور را برای یکدیگر بخوانند و نسبت به اوضاع کشور تحلیل ارایه نمایند. «پیوند روزنامه‌ها و انجمن‌های سری و ارتباطی که از این طریق حاصل شده بود، اسلحه‌ای بسیار مهم در تبلیغات انقلابیون و آزادیخواهان بود.....» (مولانا، ۱۳۵۸، صص ۱۲۳-۱۲۲). انجمن‌های پیش از مشروطه علی‌رغم اینکه به لحاظ عملکرد با یکدیگر در تضاد بودند. ولی به ندرت در آنها تناقض رفتاری مشاهده می‌کنم و حتی رسمی ترین آنها نظیر انجمن معارف که به دولت وابسته بود در ارتقاء سطح آگاهی توده بسیار موثر عمل می‌کردند. اما انجمن‌های پس از مشروطه گاهی که آنرا اتحادیه نیز می‌نامیدند نشات گرفته از اصل آزادی اجتماعات مصرحه در قانون اساسی (اصل ۲۱) بود. یکی از ویژگی‌های انجمن‌های این دوره پیوند آنها با جراید می‌باشد. به طوری نام برخی از جراید برگرفته از نام انجمن‌ها بود. البته این موضوع در سال‌های قبل از مشروطه نیز سابقه داشت و نمونه آن را می‌توان در انجمن معارف و روزنامه معارف مشاهده کرد. ولی پس از مشروطیت این روند رو به تزاید نهاد که از جمله می‌توان به

انجمن اصفهان و روزنامه انجمن اصفهان، انجمن تبریز و روزنامه انجمن تبریز، انجمن اصفاف و روزنامه انجمن اصفاف و ده‌ها انجمن و روزنامه دیگر اشاره کرد (صدر هاشمی، بی‌تا، ج ۲، صص ۲۸۸-۲۹۵). متأسفانه برخی از محققین در حاشیه بررسی مطبوعات کشور چنین مطبوعاتی را مصداق نشریات ارگان تلقی نموده‌اند و حتی این لفظ را برای آنها به کار برده‌اند. حال آنکه اولاً در این تاریخ بسیاری از انجمن‌ها دارای مرام‌نامه و نبودند. ثانیاً بسیاری از این انجمن‌ها بدون مجوز فعالیت می‌کردند. لذا کاربرد لفظ ارگان برای این نشریات با توجه به کارکرد واقعی انجمن‌های مذکور زود است.

جراید رادیکال که در جریان انقلاب مشروطه حیات گرفتند انتظارات جدید در فضای پرتلهاب آن روز کشور پدید آوردند. مجلس در ابتدا سعی داشت به شیوه دموکراتیک با مسائل برخورد کند، ولی عوامل متعدد وجود داشت که باعث می‌شد جراید و انجمن‌ها و مجلس بارها در مقابل هم صف آرایی نمایند. مطبوعات انقلابی فعال در داخل و خارج کشور پیش از استقرار نظام مشروطیت در ایران عمده مطالب‌شان درباره اجرای قانون و استقرار عدالت و آزادی در ایران بود. حملات تند به ارکان حکومت از مشخصات روزنامه‌نگاری این دوره است اما با استقرار مشروطیت این روند با همراهی برخی از انجمن‌ها ابعاد بیشتر پیدا کرد. مجلس و دولت به عنوان مهم‌ترین ارکان قدرت در کشور دو تشکل ضامن حکومت محسوب می‌شدند. اما به دلیل وجود لایه‌های محافظه‌کار در این دو نهاد، عملاً هرگونه اقدام انقلابی را که انجمن‌ها و جراید رادیکال پشتیبان آن بودند از آنها سلب می‌کرد. به همین دلیل اتخاذ مواضع خشی در مسائل جاری کشور از سوی مجلس و دولت ارمغان این دوره است.

برای نمونه در سال ۱۳۲۵ ه. ق که کشور در وضعیت نابسامانی قرار داشت برخی انجمن‌های پایتخت با تحصن در مجلس سه خواسته را مطرح کردند: نخست آنکه بدلیل ناکارآمدی نظمی و وظیفه حراست از شهر به انجمن‌ها سپرده شود؛ دوم آنکه در صورتی که وظیفه دریافت پولی که قرار بود شاهزادگان و امرا از طریق مجلس پردازند به آنها سپرده شود و نهایتاً اینکه انجمن‌ها اعلام آمادگی کردند که حاضرند برای حفظ مشروطیت قشون ملی داوطلب تشکیل دهند (آدمیت، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۰۸). در این ارتباط، مجلس نه تنها به پیشنهاد فوق‌وقعی نهاد، بلکه این مسئله باعث شد از سوی حاکمیت لفظ اشرار نیز برای آنها استعمال شود. اما از سوی دیگر، پیشنهاد انجمن‌ها با همراهی برخی مطبوعات رادیکال مواجه شد. به طوری که روزنامه حبل‌المتین در اجرای بند سوم پیشنهاد انجمن‌ها نوشت: «..... چه عیب دارد که تمام اهل بلاد یکی جزئی یعنی یک قران صرف محافظت خود نماید و گارد ناسیونال تشکیل دهند. امروز تنها چیزی که می‌تواند ما را از چنگ ذلت نجات دهد، تنها همان قشون داوطلب ملی است و بس. هر کس بر خلاف این معنی تکلم کند یا جاهل

است یا مغرض» (مجاهد، ۱۳۲۵ه.ق، ص ۱). نمونه دیگر در این ارتباط به رفتار مشترک انجمن ها و جراید همسو در خصوص ترور امین السلطان و اعتراض به شرکت نمایندگان مجلس و کابینه دولت در مراسم ترحیم او باز می گردد. فریدون آدمیت در این باره می نویسد: «ترور امین السلطان در حال و هوای خشونت انجام گرفت. افراطیون ناشر این فکر بودند که امین السلطان اتصالاً بدون آنی استراحت در کار انهدام مشروطیت است. سخنوران انجمن آذربایجان تبلیغ می کردند که اتابک و صنیع الدوله هر دو برای برهم زدن مجلس هم خیالند. روزنامه نویس ناشر عقاید همان دار و دسته نوشت: امین السلطان که چهار سال در فرنگستان مشغول تهیه به باد دادن ایران بود به ایران آمد که به آن عهدها که با روس و انگلیس کرده بود وفا نماید یا در اعلان خاصی که صور اسرافیل منتشر کرد گفته شد: با اعدام میرزا علی اصغر خان خائن رفع شر آن خائن ملک و ملت را نمودند. روح القدس نوشت: اعدام امین السلطان لازم افتاد و در این کار قضا هم خنده زد هم آفرین گفت» (آدمیت، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۱۷۸-۱۷۴). متأسفانه یافتن این دست شواهد که مویذ تندروی جراید و انجمن های همسو می باشد آنقدر فراوان است که برخی نویسندگان همانطور که گفته شد رفتار آنها را عامل اصلی سقوط مجلس اول می دانند و شاهد این ادعا را نیز اعلامیه کودتای محمدعلی شاه علیه مجلس ذکر می کنند. «چون ایجاد انجمن های بی نظامانه اسباب هرج و مرج شده و روزنامه ها و ناطقین به کمک آنها، نزدیک بود رشته انتظامات مملکت را بر هم بزنند هر چه ما خواستیم از فسادات آنها جلوگیری کنیم ممکن نشد ما هم امروز تا سه ماه دیگر مجلس را منفصل نموده» (کسروی، ۱۳۶۲، ص ۱۶۵).

به هر حال در دوره مجلس اول مشروطه شاهد بوجود آمدن و کارکرد روزنامه‌هایی بودیم که در پیوند با انجمن ها فعال شدند. در این ارتباط، شاید قضاوت در خصوص رفتار این دو نهاد بویژه در دوره مجلس اول به دلیل حس مسئولیت جویی آنها در مسائل سیاسی و اجتماعی دشوار به نظر برسد و چه بسا در بسیاری از موارد به دلیل آنکه آنها واقعیت را منعکس می کردند، حق به جانب آنها بود ولی اگر پابندی به اصول قانون را که همواره مد نظر آنها بود در این قضاوت ملاک عمل قرار دهیم خواهیم دید که بسیاری از رفتارهای افراطی می توانست ملایم تر و در چارچوب مقررات انجام شود.

پیدایش نسل اول مطبوعات تشکیلاتی

واژه شناسی ارگان، ما را با سه گزینه معنایی مواجه می کند. نخست به معنای تشکیلات و سازمان، دوم به معنای سخنگو و سوم به معنای وسیله و ابزار (xford 1987 , Page 593).

در بررسی مطبوعات ایران پس از مشروطه تا مقطع آغاز مجلس دوم، با هر سه نوع روزنامه که در ارتباط با معانی فوق منتشر می‌شدند، برخورد داریم. در زمینه لفظ ارگان به معنی سخنگو و ابزار، روزنامه شیخ فضل اله که در هنگام تحصن شیخ فضل اله نوری و همفکران او در زاویه حرم عبدالعظیم و در مخالفت با مشروطه غیرمشروعه منتشر می‌شد، یک نمونه از این جراید است. این نشریه که در سال ۱۳۲۵ ه.ق منتشر می‌شد به طور صریح عقاید تحصن‌کنندگان را به صورت علنی اشاعه می‌داد و حتی توانست به بخش‌هایی از خواسته‌های خود دست پیدا کند.

اگر بخواهیم واژه ارگان را با تعاریف امروزی تطبیق دهیم باید گفت: نشریه‌ای متعلق به یک تشکیلات با کارکرد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در جهت اهداف آن تشکیلات منتشر می‌شود، به عنوان نشریه سازمانی یا ارگان آن تشکیلات محسوب می‌شود. اما اگر بخواهیم این تعریف را به دوران پس از مشروطه تسری دهیم باید آن را صرفاً محدود در چارچوب تشکیلات سیاسی نماییم. چرا که در این دوران، اصولاً تشکیلاتی منسجم و دارای برنامه که خارج از حکومت فعال باشد به جز احزاب و گروه‌های سیاسی یافت نمی‌شدند. از همین رو تعریف ارگان در دوره مورد نظر می‌تواند این چنین تعبیر شود. ارگان به نشریه گفته می‌شود که از سوی یک حزب سیاسی و به صورت رسمی و علنی جهت انتشار اهداف و نظرات آن حزب تاسیس می‌شود و عموماً گردانندگان آن از میان اعضای همان حزب می‌باشند.

در مجلس اول مشروطه، چندین گروه سیاسی تحت عنوان اتحادیه، انجمن ملی، مجاهدان و اجتماعيون عاميون فعال بودند. اما به دلیل آنکه نمایندگان مجلس اول بر پایه صنفی به مجلس راه یافته بودند، کار حزبی جایگاهی نداشت و اختلاف میان نمایندگان بر سر مسائل عقیدتی نبود. با وجود این، نمایندگان این دوره به «دو دسته مشخص معتدل و تندرو تقسیم می‌شدند و هیچکدام تشکیلاتی نداشتند و حزب محسوب نمی‌شدند» (اتحادیه، ۱۳۶۱، ص ۱۳). در سال ۱۳۲۷ ه.ق به هنگام فتح تهران و پایان استبداد صغیر از سوی آزادیخواهان دو حزب سیاسی بوجود آمد. «یکی انقلابی، دیگر اعتدالی و در همان سال بعد از افتتاح مجلس دوم این دو حزب به اسم دموکرات عامیون و اجتماعيون اعتدالیون رسمی شدند و خودشان را به مجلس معرفی کردند» (بهار، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۸). موضوع مهم که در خصوص روند شکل‌گیری احزاب سیاسی در کشور قابل تأمل است این موضوع است که بر خلاف اروپا در ایران ابتدا احزاب سوسیالیستی بوجود آمدند. به عبارتی پیدایش احزاب در ایران بیشتر حالت عمل و عکس‌العمل داشت.

در این ارتباط، قدیمی‌ترین روزنامه که از درون یک تشکیلات سیاسی متولد شد عروه الوثقی بود که پس از تشکیل انجمن سیاسی عروه الوثقی به همت سید جمال‌الدین اسدآبادی در سال ۱۳۰۱ ه.ق در پاریس انتشار خود را آغاز کرد. این روزنامه علی‌رغم روشنگری‌هایی که برای رهایی کشور از استبداد کرد، ولی به دلیل آنکه در داخل کشور چاپ نمی‌شد، نمی‌توان خصلت بومی به آن داد. در بخش‌های گذشته به این مسئله پرداخته شد که قبل و پس از انقلاب مشروطه، نشریاتی وجود داشتند که هم نام با عنوان انجمن وسیله ای برای انتقال اخبار مربوط به انجمن‌ها محسوب می‌شدند. اما پس از انقلاب مشروطه برخی از مدیران مطبوعات رادیکال که انگیزه بسیار زیاد در نقد فضای حاکم بر کشور داشتند در برخی از گروه‌های مخفی نظیر اجتماعیون عامیون عضویت داشتند و به همین علت در نوشته‌های آنها به خوبی شرح مرام‌نامه‌های آنها به چشم می‌خورد. برای نمونه روزنامه صوراسرافیل در طول انتشار به اندازه‌ای در خصوص برنامه دموکرات‌ها مطلب دارد که اگر مقایسه‌ای درباره برخی از مطالب این روزنامه از جمله ایجاد بانک زراعی، واگذاری زمین به دهقانان، اصلاحات ارضی، تشکیل قشون و با شرح برنامه دموکرات‌ها بشود به خوبی میزان تاثیر پذیری و حمایت این روزنامه از این گروه سیاسی (که البته در کشور فعالیت رسمی نداشت) مشخص می‌شود. این روزنامه حتی برخی از مقالات متمایل به دموکرات‌ها را که در خارج از ایران و عمدتاً در نشریات بادکوبه منتشر می‌شد، عیناً چاپ می‌کرد. «هر یک از این فرقه‌ها (پنج حزب روسیه) دارای طرفدارهای مخصوص و نقطه نظر معین می‌باشند. بعضی کهنه پرست بعضی استبداد و اسارت دوست و برخی هواخواه وضع جدید و جمعی شورشی و طایفه‌ای پادشاه دوست و قانون پرست می‌باشند اینک دو نمونه از این احزاب: راست‌ترین آنها می‌گویند پادشاه مالک الرقابست هر چه می‌خواهد بکند ملت نباید در کارها دخالت بکند. انتخاب لازم نیست دهاتی‌ها بایستی از زمین بی بهره باشند. تعلیم و تربیت باید موافق کتاب مقدس انجیل باشد چپ‌ترین آنها فرقه موسوم به اجتماعیون است. می‌گویند بعضی حق انتخاب بدون نظارت مال همه است. زمین مال همه است. کار روزی هشت ساعت نمی‌تواند باشد. حکومت نباید به دین و عبادت دخالت کند» (مومنی، ۱۳۵۷، ص ۹). درج این مطالب اگر چه صرفاً نقل قول جراید بادکوبه بود ولی از سویی به خوبی نشان دهنده تمایلات سوسیالیستی گردانندگان روزنامه صوراسرافیل نیز می‌باشد.

در بررسی تاریخ معاصر ایران تنها روزنامه‌ای که از سوی برخی از محققین به عنوان «ارگان سوسیال دموکرات‌ها» از آن یاد شده، روزنامه «مجاهد» است که قبل از تشکیل رسمی

احزاب سیاسی در مجلس دوم به فعالیت‌های سیاسی و عقیدتی مشغول بود. پیشتر گفته شد که در بسیاری از تحقیقات صورت گرفته در زمینه تاریخ مشروطه، لفظ ارگان در مورد برخی از مطبوعات به کار رفته است. ولی به دلیل آنکه هیچکدام از آنها دارای تشکیلات و مرام نامه نبودند، کاربرد این واژه برای آن جراید نادرست است. محمد علی خان تربیت که روزنامه‌نگار دوره مشروطه بود در مقدمه دفتر تاریخ مطبوعات ایرانی و فارسی در خصوص این روزنامه می‌نویسد: «احزاب سیاسی از دوره دوم مشروطیت به رسمیت شناخته شدند. بنابراین انتساب روزنامه ای پیش از دوره مذکور به یکی از احزاب مزبور ناصواب خواهد بود. در دوره اول مشروطیت یگانه حزب منشکل سوسیال دموکرات (اجتماعیون عامیون) بود و مجاهد ارگان مطبوعاتی آن در تبریز بود.» (براون، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۶۱) نکته بسیار مهمی که در خصوص روزنامه مجاهد صدق می‌کند و در واقع موجب تمایز این روزنامه با سایر نشریاتی از این دست می‌شود، این موضوع است که اولاً نام روزنامه برداشتی از نام «مجاهدان سوسیال دموکرات» در تبریز است. ثانیاً گرداننده آن یعنی ابوالضیاء خود از اعضای سوسیال دموکرات بوده که بعدها اصلی‌ترین و مهمترین روزنامه ارگان حزب دموکرات را در دوره مجلس دوم به نام «ایران نو» منتشر کرد. ثالثاً در مطالعه نسخه‌های به جای مانده از این روزنامه، شواهد آشکاری وجود دارد که این روزنامه در جهت اهداف سوسیال دموکرات حرکت می‌کرد. این روزنامه «در دوره پیکارهای شدید انقلاب (مشروطه) وسیله ارتباطی بسیار مهمی شده بود بین مرکز غیبی و اعضای پایین دست سازمان» (سرداری نیا، ۱۳۶۳، ص ۱۳۵). به هر حال از آنجا که در این دوره فعالیت مجاهدان سوسیال دموکرات در سراسر کشور مخفی بود، شاید در نگاه اول نتوان این روزنامه را به عنوان ارگان رسمی این دسته تلقی کرد. اما با توجه به ضرورت فعالیت سیاسی مخفیانه در این دوره، الزاماً روزنامه مذکور نیز نمی‌توانست از این قاعده مستثناء باشد. هر چند که در نوشته‌های آن آثار فراوانی در حمایت از سوسیال دموکرات‌ها به چشم می‌خورد. به عبارتی مجادلات قلمی در حمایت از شرح مرام نامه و اهداف حزبی و در واکنش به مطبوعات رقیب به ندرت در این روزنامه مشاهده نمی‌شود. اما در زمان مجلس دوم که فضای سیاسی کشور آمادگی پذیرش احزاب را به صورت رسمی پیدا کرد، مدیر روزنامه مجاهد مهم‌ترین روزنامه وابسته به حزب دموکرات یعنی «ایران نو» را منتشر کرد. اجتماعیون عامیون که در دوره مجلس اول یک تشکیلات مخفی با عده ای فدایی مسلح (مجاهدین) فعال بودند و برخی روزنامه‌ها از جمله صور اسرافیل و مجاهد از آنها حمایت می‌کردند، در مجلس دوم عنوان تشکیلات خود را تغییر دادند و با عنوان حزب دموکرات وارد رقابت سیاسی شدند. این حزب در مجلس دوم یک فراکسیون ۲۸ نفری بوجود آورد و چند روزنامه مشهور مانند ایران نو در تهران، شفق در تبریز و نوبهار در

خراسان منتشر کرد. رقیب اصلی حزب دموکرات حزب اجتماعیون اعتدالیون یا همان اعتدالیون نیز در مجلس دوم از اکثریت برخوردار بودند و دارای چندین روزنامه از جمله «مجلس»، «شورا» و «وقت» بود البته در این زمان احزاب دیگری چون «اتفاق و ترقی» که روزنامه استقلال ایران و برخی نشریات دیگر مانند «جنگل مولا» ارگان و حامی آنها محسوب می شدند نیز در صحنه حضور داشتند. همچنین حزب ترقی خواهان لیبرال که وکلای فارس و قشقایی عضو آن بودند دارای روزنامه ای به نام «جنوب» بودند (اتحادیه، پیدایش و تحول احزاب سیاسی، ۱۳۶۱-۲۳۷). در این دوره به اندازه ای رقابت احزاب و مجادلات روزنامه های وابسته شدید بود که یکی از کارکردهای مهم روزنامه های ارگان به نقد مرام نامه و برنامه احزاب رقیب اختصاص داشت.

بررسی عوامل تاسیس مطبوعات تشکیلاتی

درباره نحوه شکل گیری مطبوعات ارگان، همواره باید دو علت داخلی و خارجی را مد نظر قرار داد. در بعد داخلی با مجموعه عواملی مواجه هستیم که برخی از آنها معلول ضرورت های نظام جدید سیاسی در ایران است و برخی از آنها نتیجه رفتار معارضین و مدافعین مشروطه می باشد.

۱- ضرورت های نظام جدید: شکل گیری نظام پارلمانتاریسم در ایران الزامات قانونی متنوع را با خود به ارمغان آورد. به طور کلی این نظام موجب شد قدرت فردی محدود گردد و مشارکت سیاسی در تمام شئون آن در جامعه گسترش یابند. به طوری که پس از مشروطه و تصویب قانون اساسی (اصول ۲۰ و ۲۱) آزادی اجتماعات و مطبوعات تضمین شد. در این دوره، نخستین حرکت به سمت آزادی مطبوعات از سوی مجلس برداشته شد و تاسیس روزنامه مجلس که منسوب به حاکمیت بود نوعی متفاوت از روزنامه نگاری انتقادی را به نمایش گذارد.

۲- لزوم تجدید نظر در رفتار سیاسی: تجربیات اولیه نظام جدید سیاسی، فقدان روح مشارکت در تصمیم گیری و قانونمند نبودن روابط، هیجانات ناشی از انقلاب مشروطه و تنوع فکری برای پیشبرد امور و وجود آن بخش از آرا که تحت تاثیر تعاملات فکری با کشورهای همسایه از جمله روسیه و عثمانی قرار داشت همه عواملی محسوب می شدند که موجب تشتت در رفتار جراید و سیاسیون کشور می شد. مطبوعات رادیکال با آنکه از افرادی لایق در نقد شرایط کشور بهره می بردند، اما در تحلیل مسائل کشور متاسفانه عنان از کف می دادند و بارها ارکان قانونی کشور را مورد هجمه های سنگین خود قرار دادند.

۳- **اختلاف نظر فکری میان نیروهای سیاسی:** نخستین برخورد آراء میان نیروهای فعال سیاسی پس از تشکیل مجلس اول روی داد. از همان روزهای نخست اکثر نمایندگان مجلس در مقابل برخی از نمایندگان دیگر که معتقد به شدت عمل در مسائل بودند، اعتقاد داشتند باید برای پیشبرد امور به اعتدال روی بیاورند. هر چند در مجلس اول تصمیمات نمایندگان به وابستگی سیاسی آنها ارتباط نداشت ولی همسویی برخی جراید و مطبوعات رادیکال با طیف اقلیت مجلس (تندروها) باعث شد چندین نوبت اکثریت مجلس خواستار اخراج چند نماینده تندرو از مجلس شدند. به عبارتی در داخل مجلس رقابت سیاسی به معنای متعارف میان دو نیرو وجود نداشت ولی در خارج از مجلس اوضاع به گونه ای دیگر بود. به طوری که به دنبال حملات مطبوعات رادیکال به ارکان حکومت، شرایط به نحوی به پیش می‌رفت که پاسخ و افشاگری‌های متقابل را ضروری می‌ساخت.

۴- **محقق نشدن اهداف در نظام جدید:** از دید غالب نیروهایی که در تغییر نظام سیاسی ایران و انقلاب مشروطه نقش‌آفرینی کردند، انقلاب باید موجب تحول و تغییرات عمده در نظام سیاسی اجتماعی کشور می‌شد. اما یک سال پس از مشروطه به دلیل وجود برخی مناسبات گذشته در کشور برخی از مطبوعات خود دست به کار شدند و با نقدهای تند ژورنالیستی پیشتاز اصلاح‌گری شدند. مطالعه بسیاری از نوشته‌های این جراید به خوبی نشان می‌دهد آنها با درک مشکلات کشور راه‌کارهایی را پیشنهاد می‌دادند که یا قابل اجرا نبود یا با اساس مشروطیت و تفکیک قوای سیاسی در کشور مغایرت داشت.

۵- **فقدان ایدئولوژی مشخص:** تشتت و پراکندگی آرا در نوشته‌های جراید در دوره اول مجلس به گونه ای بود که به خوبی خلاء ایدئولوژیک در پیشبرد نهضت مشاهده می‌شد. در این میان هر چند تأثیر نوشته‌های برخی مطبوعات را به خوبی می‌توان در جامعه احساس کرد ولی همین مطبوعات که از پیشنهاد قوی فکری نیز برخوردار بودند، فاقد استراتژی مشخص در برخورد با مسائل متنوع پس از مشروطه بودند. با وجود این، مقایسه محتوای روزنامه‌های قبل و پس از مجلس دوم به خوبی می‌تواند تفاوت کارکرد جراید را نشان دهد. اساساً عملکرد مطبوعات پس از مشروطه به گونه ای بود که بیشترین چالش از طرف آنها با پادشاه و حاکمیت بود. کسروی در این باره می‌نویسد: «بسیاری اینان (روزنامه‌ها) در آزادیخواهی جز گله و ناله از دربار و بدگویی از شاه و پیرامونیان او نمی‌شناختند و چنین می‌دانستند که هر چه بیشتر بنالند و بیشتر بد گویند آزادی خواهی بیشتر کرده‌اند و این بود در برخی از روزنامه‌ها هر چه می‌توانستند تندی می‌نمودند» (کسروی، صص ۴۱۲-۴۱۱). اما پس از افتتاح مجلس دوم تا اندازه‌ای این نارسایی جبران شد. عواملی که در سطور فوق به عنوان پرداخته شد بیشتر از منظر داخلی مورد توجه بود؛ حال آنکه در پیدایش

مطبوعات تشکیلاتی در ایران عوامل خارجی نیز بسیار تاثیر گذار بودند. همسایگی ایران با دو کشور روسیه و عثمانی و حضور بسیاری از فعالان سیاسی در این دو کشور این فرصت را فراهم کرد که بسیاری از آنها از نزدیک با افکار سیاسی و اجتماعی آشنا شوند. لذا تلاش می‌شود در این زمینه نیز به عوامل مهم اشاره شود.

۱- آشنایی با افکار آن سوی مرزها: بسیاری از کارگران و تجار که در مناطقی از قفقاز در رفت و آمد بودند برای نخستین بار با اندیشه‌های جدید سیاسی آشنا شدند. به طوری که پس از انقلاب مشروطه نام بسیاری از نشریات دقیقاً اقتباس از جراید باکو بود که عمدتاً تمایلات سوسیالیستی داشتند. نشریاتی چون ارشاد، نجات، بهلول، ترقی و از جمله این جراید به شمار می‌روند. واقعیت آن است که هرچند این مراسلات مخفیانه و برای سوسیال دموکرات‌های روسیه ارسال می‌شد اما باید توجه داشت که وجود کانون‌هایی در ایران که مرتبط با این مراکز بودند در این کار الزام بود. در یکی از مکاتبات به جای مانده در این رابطه لنین در پاسخ گالپرین نماینده روزنامه ایسکرا (به معنای جرقه) در باکو درباره دیر رسیدن مطبوعات ارسالی می‌نویسد: «مدت زیادی نیست که ما از وین به ایران (مطبوعات) ارسال داشته‌ایم و اظهار نظر در این باره عجولانه خواهد بود. چه بسا که موفقیت داشته باشیم. صاحب آدرس را در شهر تبریز مطلع سازید که باید کتاب‌هایی دریافت کند و رسید آنها را اطلاع دهید» (کامبخش، ۱۳۶۰، ص ۱۳).

البته تردیدی وجود ندارد که تعداد کسانی که می‌توانستند به این مراسلات دسترسی داشته باشند قطعاً از انگشتان یک دست فراتر نمی‌رفته است اما حداقل این تاثیر را میان مبارزان ایرانی داشت که با مطبوعات حزبی و انقلابی سوسیال دموکرات‌ها آشنا شوند.

۲- اشتراک فضای سیاسی- اجتماعی میان ایران و روسیه: وجود سیستم سیاسی مشابه میان ایران و روسیه از عوامل مهم نزدیکی مبارزین دو کشور بود. نخستین تشابه به نوع نظام سیاسی دو کشور باز می‌گشت. در ایران پادشاه و در روسیه تزار مظهر قدرت به شمار می‌رفتند. وضعیت اجتماعی و اقتصادی مشابه از جمله ورشکستگی کسبه شهری، فقر شدید روستاها، وجود تضادهای متعدد اجتماعی و از عوامل مهم بود که انقلابیون دو کشور را به هم نزدیک می‌کرد. در این ارتباط مشابهت‌های فرهنگی از جمله دین و زبان مشترک در حدفاصل مناطقی از قفقاز که با ایران هم مرز بودند، عامل بسیار مهم جهت درک و انتقال مفاهیم سیاسی به داخل ایران به شمار می‌رفت. از سوی دیگر، نظر انقلابیون روسیه که با تحلیل‌های سوسیالیستی وقایع ایران را دنبال می‌کردند نقش مهمی در این نزدیکی ایفا می‌کرد. برای نمونه لنین در یکی از مقالات خود با پیش کشیدن موضوع ایران نوشت: "وضع انقلابیون ایران بس دشوار است ولی مبارزه سرسخت تبریز نشان می‌دهد که

سرمداران شاه با بدترین مقاومت‌های توده‌ای مردم روبه‌رو هستند چنین جنبش انقلابی محو‌شدنی نیست و حتی پیروزی کامل ارتجاع ایران در این شرایط می‌تواند آستانه هیجان‌های نوین توده‌ای بشود» (رواسانی، ۱۳۶۳، ص ۱۵). انتشار چنین مطالبی موجب شد پس از مشروطه تقریباً تمام مطبوعات آزاد کشور این ادبیات را به خدمت بگیرند.

۳- **پیوند اندیشمندان سوسیالیست غیر ایرانی با انقلابیون:** از زاویه تاریخی مهم‌ترین عامل تأسیس مطبوعات تشکیلاتی وجود متفکران غیربومی آگاه به مسائل سوسیالیسم بوده است. برای نمونه در خراسان، تبریز، گیلان و تهران که عمده‌ترین شهرها از نظر حضور مطبوعات ارگان حزب دموکرات بودند، افرادی چون حیدر خان عموغلی، ارژنکیده، بابایف، نریمانف، امین‌زاده و قبلاً در آنجا بودند و جز موسسین هسته‌های سوسیال دموکرات (مجاهدین) به شمار می‌رفتند. به طور کلی مطبوعات ایران در دو مقطع تحت تأثیر این مبارزین غیر بومی قرار داشتند. رسول زاده سردبیر روزنامه ایران نو یکی از مصادیق بارز این اندیشمندان است که به صورت کاملاً ژورنالیستی کار حزبی را دنبال می‌کرد.

بررسی و تحلیل نارسائی‌ها و نقاط قوت نخستین جراید تشکیلاتی

یک مقایسه محدود میان تفاوت کارکرد میان مطبوعات دوره اول مشروطه که غالباً آزاد و انقلابی بودند و مطبوعات دوره مجلس دوم که عمدتاً مسلکی بودند، به خوبی نشان می‌دهد که در دوره دوم خواسته‌ها بسیار صریح و صرفاً در چارچوب اهداف حزبی مطرح می‌شد. علی‌رغم برخی قضاوت‌های افراطی در خصوص عملکرد مطبوعات این دوره (کسروی، تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان، بی تا، صص ۷۴-۷۳) برخی نویسندگان دیگر از جمله فریدون آدمیت معتقدند بواسطه برخی نوشته‌های روزنامه‌های این دوره نظیر «مطالب پرمایه روزنامه ایران نو تفکر دموکراسی ترقی کرده» (آدمیت، فکر دموکراسی در ایران، ۱۳۵۴، ص ۱۴۰). در این دوره، مطبوعات تشکیلاتی همچنان که خود اذعان می‌داشتند یا طرفدار حزب اکثریت یا اقلیت یا بی‌طرف بودند. مطبوعات ارگان در این دوره دارای سه کارکرد بسیار مهم بودند که وجه تمایز آنها با دوران گذشته محسوب می‌شود:

۱- **عملکرد انتقادی:** در دوره مجلس دوم دو بحث اکثریت و اقلیت پارلمانی و ترکیب دولت از مباحث جنجالی مطبوعات حزبی بود. در تمام طول دوره مجلس دوم که حزب اعتدال با حزب اتفاق و ترقی در ائتلاف بود و به همین دلیل اکثریت پارلمان و دولت را در اختیار داشت، حزب دموکرات موضع انتقادی نسبت به اعتدالیون داشت. به طوری که در برخی موارد انتقادات از دایره اهداف حزبی دور می‌گردید. حزب دموکرات در تبلیغات سیاسی خود همواره روی الفاظی چون حمایت «توده» پافشاری می‌کرد و اساساً اهداف کلان خود را

متوجه جلب نظر آنها قرار داده بود؛ اما برای نمونه روزنامه ایران نو در یکی از مقالات خود نوشت: «مخالفین فرقه دموکرات ایران آنها که امروز اکثریت پارلمان را در دست دارند همیشه دوست دارند بگویند که با آنها نه تنها اکثریت پارلمان بلکه اکثریت ملت هم هست صحیح است که دموکراسی اکثریت ملت را تشکیل می‌دهد اما این نکته را هم نباید از نظر دور انداخت که دموکراسی جاهل است واضح است که در سیاسیات وقتی که از اکثریت یا از اقلیت سخن می‌رود همیشه قوه عامله و عنصر فعاله ملت در نظر گرفته می‌شود» (ایران نو، ۱۳۲۹، ص ۱). در واقع این روزنامه با تفکیک ملت به «جاهل» و «عالم» دقیقاً برخلاف شعارهای حزبی رفتار کرد و معلوم نیست که این حزب و مطبوعات وابسته به آن چگونه پیروزی دموکرات‌ها را در مجلس سوم که مطبوعات نقش مهم در آن داشتند، را توجیه کردند؟ در این ارتباط، موضوع اکثریت و اقلیت پارلمان و دولت در روزنامه‌های حامی احزاب به اندازه‌ای فراوان است که هر موضوعی از نگاه روزنامه‌های طرفدار حزب دموکرات از زاویه حزبی تعقیب می‌گردید. حزب اعتدال در این زمان هر چند دارای اکثریت در پارلمان و دولت بودند، اما تلاش حزبی قابل دفاعی از خود در برابر حملات حزب رقیب نشان نمی‌داد و صرفاً در برخی مواضع سیاسی به این موضع خود اشاره می‌کرد که یک پارلمان و دولت اکثریت بهتر می‌توانند با یکدیگر کار کنند.

۲- عملکرد سیاسی و اجتماعی: تشریح مسائل سیاسی و اجتماعی از موضوعات نسبتاً مستقل در این دوره به شمار می‌رود که نقش بسیار زیاد در ارتقا سطح آگاهی‌های توده داشته است. در این ارتباط روزنامه ایران نو مقامی شامخ دارد. نوشته‌های این روزنامه با آنکه معطوف به اصول سوسیالیسم است به اندازه‌ای علمی و ارزشمند است که از این نظر هیچکدام از جراید ارگان این دوره به پای آن نمی‌رسیدند. البته این اظهارات به معنای ارزش گذاری منفی یا مثبت بر مطالبی که ایران نو منتشر می‌کرد، نیست. چنانکه فریدون آدمیت می‌نویسد: «آن دفاع و ابطال‌ها از نظرگاه صرف در عقاید و آرای سیاسی توجیه بردارند و گرنه در دایره عمل کارنامه فرقه دموکرات در تناسب با کارنامه‌اش کیفیت دیگری دارد.....» (آدمیت، فکر دموکراسی، ص ۱۱۱). ایران نو که افکار مارکسیستی و سوسیالیستی را نشر می‌داد به شدت ضد تزارسم بود و در تحلیل مسائل سیاسی - اجتماعی شماره‌های متعدد از آن را می‌توان مشاهده نمود که مطالب اجتماعی به شیوه‌ای کاملاً مارکسیستی تبیین شده‌اند. که این مسئله با توجه به جایگاه مذهب در ایران و تبلیغات حزب رقیب نشان می‌دهد گردانندگان این جراید با روح مسائل ایران که پیوند ناگسستنی با مقولاتی چون مذهب داشت بیگانه بوده‌اند. گذشته از این مسائل غالب روزنامه‌های حزب دموکرات در بسیاری از مطالب خود همچنان

به لزوم انقلاب و افکار انقلابی پافشاری می کردند. برای نمونه، روزنامه ایران نو در یکی از شماره های خود می نویسد: «انقلاب به منزله جارویی است که کثافت جامعه را پاک می کند. افرادی که منکر انقلاب هستند تجددخواه و مشروطه خواه نبودند و نشان دادند که از تاریخ هیچ نفهمیده اند و در واقع مرتجع هستند» (اتحادیه، پیدایش و تحول احزاب... ۲۰۷). در عوض اعتدالیون مبلغ یک تفکر اجتماعی خاص نبودند که بتوان برای آن چارچوب علمی نظیر آنچه مطبوعات دموکرات منتشر می کردند، در نظر گرفت. در تمام نوشته های سیاسی و اجتماعی آنها اعتقاد به این مطلب که فلسفه طبیعت اعتدال و احتراز از تندروی است به چشم می خورد. مضافاً به این که در نوشته های خود، عقاید مارکس و انگلس را رد می کردند و پیرو افرادی چون برنستن و مرلینو بودند. با وجود این، محتوای جراید ارگان در بعد سیاسی و اجتماعی به جناحی بودن شدید تشکیلات دولتی باز می گشت که عملاً پیشبرد امور کشور را با مشکل مواجه کرده بود برای نمونه، روزنامه ایران نو در خصوص اخراج دموکرات ها توسط اعتدالیون پس از فتح تهران نوشت: «..... علی رغم مواعید مزورانه ای که حضرات اعتدالیون می دادند حقوق حقه اقلیت هم از ما مسلوب و فرقه ما از قانون عمومی مستثنا گردید. اخراج دموکرات ها را اعلام کردند. به بهانه اصلاح هم نظران و هم مسلکان ما را از ادارات عمومی که عموم افراد ملت حق خدمت در آنها را دارند خارج نمودند و به عنوان تامین و استقرار امنیت درهای حبس را به روی دموکرات ها گشودند دموکرات ها را به بی دینی؛ بی ناموسی؛ تروریست؛ آنارشیزست اعلام کردند.....» (پیشین، صص ۲۲۷-۲۲۶). روزنامه مجلس ارگان اعتدالیون در پاسخ به این مطالب نوشت: «..... آقایان مخترع انقلاب [دموکرات ها] با پارتی های [احزاب سیاسی] خود که تمام دوائر دولتی را ارث بالاستحقاق خود دانسته؛ حتی گربه اداره را هم انقلابی اختیار کرده بودند، سعی می کردند که اعتدالی در هیچ کجا کاری نیابند.....» (پیشین، همانجا). نگارش این مطالب که در سرتاسر جراید وابسته به احزاب به چشم می خورد به اندازه ای فراوان است که عملکرد سیاسی اجتماعی روزنامه ها را تحت الشعاع خود قرار می داد. به عبارتی برای مردم کشوری که به لحاظ آگاهی از اوضاع جهان و سواد اجتماعی در محرومیت کامل بودند، انتشار این مطالب هیچ اتفاقی خاص را در وضعیت آنها بوجود نمی آورد و در خوشبینانه ترین حالت می توان گفت که در این دوره احزاب سیاسی و مطبوعات وابسته به دلیل برخوردار نبودن از پایگاه مردمی صرفاً در جهت منافع حزبی خود قدم بر می داشتند. با وجود این، هیچگاه نمی توان منکر نقش بسیار مهم جراید تشکیلاتی این دوره در وارد کردن مفاهیم جدید سیاسی و اجتماعی به کشور بود. برای نمونه روزنامه ایران نو در یکی از شماره های خود با تشریح نظریات سنت سیمون و اون

درباره انگلس و مارکس نوشت: «میان کلیه نظریات سوسیالیست و اجتماعی مسلکان کارل مارکس از همه مقتدرتر و نظریاتش عمیق تر است. کتاب این شخص که موسوم به سرمایه است برای کسانی که در آرزوی تنظیمات اجتماعی و سیاسی بودند حکم انجیل آسمانی را پیدا کرد کارل مارکس فقط نظریات مسلک اجتماعی را بر اساس علمی استوار نموده بلکه راههای اعمال اجتماعی را نیز نمایانده و» (ایران نو، سال دوم، ۱۶ ذیقعه ۱۳۱۰ ه.ق، ص ۱). بی تردید انتشار این مطالب عمدتاً در راستای اهداف حزبی قابل تفسیر است. اما باید توجه داشت که کمترین دستاورد ناشی از نحوه برخورد احزاب رقیب با این مطالب و انتشار آن در سطح اجتماع، ترقی سطح فکر را به دنبال داشت که صورت حداکثری آن را می توان در زایش احتمالی اندیشه های جدید جستجو کرد.

۳- عملکرد حزبی: مطبوعات سیاسی در مجلس دوم به رغم آنکه به طور آشکارا از احزاب مورد نظر حمایت می کردند و حتی به تبلیغ مرام نامه آنها می پرداختند، اما همواره خود را مستقل معرفی می کردند. برای نمونه روزنامه ایران نو (مهم ترین ارگان دموکرات ها) در ابتدای انتشار نوشت: «به هیچ فرقه و هیات منسوب نیست». ولی مطالعه این روزنامه در زمینه معرفی و دفاع از حزب دموکرات کاملاً این نظر را رد می کند. بویژه آنکه سردبیر روزنامه یعنی امین زاده از اعضای مرکزی حزب سوسیال دموکرات بود. در این ارتباط از حیث کارکرد حزبی مطبوعات ارگان بسیار فعالتر از سایر جراید بودند. به طوری که تبلیغ مرام نامه و تاکتیک های حزبی را به راحتی با مخاطبین خود در میان می گذاشتند و در این میان راه های پیوستن به حزب و تقویت آن را به انحاء مختلف ارائه می کردند. صرف نظر از تبلیغ مرام نامه های حزبی روزنامه های ارگان حجم کثیری از مطالب خود را به جدال های کلامی و لفظی اختصاص می دادند که طبق معمول بیشترین انتقادات از سوی جراید ارگان حزب دموکرات صورت می گرفت. برای نمونه روزنامه ایران نو از صدها مطالب خود علیه اعتدالیون، در یکی از شماره های خود نوشت: «..... اعتدال یک فرقه رسمی و یک حزب سیاسی نیست که از قدیم الایام پروگرام و نظامنامه مخصوص داشته اعتدال یک دسته سیاسی معرفی نگردیده که در پارلمان های اروپا به همین سمت تشکیل حزب خارجی دهد.....» (صدای رشت، ش ۱۷، ۱۳۲۹ ه.ق، صص ۱-۳). در عوض روزنامه مجلس در دفاع از اعتدالیون نوشت: «... آنهایی که از تاریخ ادوار تجدد اطلاع دارند تصدیق دارند که ایران غیر از مسلک اعتدال برای اصلاحات لازمه نمی تواند مسلک دیگر اتخاذ نماید. اقتضاء اعتدال میانه روی است» (روزنامه مجلس، ش ۴۰، ۱۳۲۷ ه.ق، ص ۱). مطالعه محتوای این جراید نشان می دهد آنها هر چند به شدت از احزابی که به آن وابسته بودند حمایت می کردند، ولی نکته قابل توجه آن بود که اولاً

سطح این حمایت به هیچ عنوان برابر نبود مضافاً اینکه بسیاری از مطالب منتشره همانطور که در سطور فوق به آن اشاره شد با اهداف و برنامه های حزبی فاصله داشت. با این حال به دلیل انحلال مجلس در زمان زودتر، وضعیتی در کشور حاکم شد که بسیاری از آزادیخواهان سرکوب شدند. اما مطبوعات حزب دموکرات به دلیل فعالیتی که در برخی از استانهای کشور داشتند، با بدبینی نسبت به جریان امور که به نوعی اعتدالیون را مسبب آن می دانستند، به درج مطلب می پرداختند. در چنین فضایی ملک الشعرا بهار در روزنامه نوبهار در مشهد نوشت: «آن دستی که انقلاب ایران را خنثی گذاشت، آن دستی که زعما و قهرمانان انقلاب را نابود و مضمحل ساخت، آن دستی که سه سال ما را از نعمت مشروطه محروم ساخته ساده لوحان و کوتاه نظران گمان می کنند که کار ایران به مظفریت (حزب اعتدال) و معدوم شدن یک جمعیت سیاسی دیگر (دموکراتها) اصلاح شده و رو به طرف اصلاحات خواهد رفت. اما خبر ندارند که همین مسئله یگانه سبب بدبختی ایران خواهد بود» (نوبهار، ش ۱۳۳۲، ۵۵، ص ۱). با گشایش مجلس سوم در سال ۱۳۳۳ ه. ق احزاب سیاسی دوباره به میدان آمدند. در این دوره احزاب کوچک تر از میان رفتند. دموکراتها در این دوره با اعتدالیون ائتلاف کردند و عده ای از بی طرفها به آنها ملحق شدند و ضد یک دسته از اقلیت تندرو به نام هیات علمیه موضع گرفتند.

مطبوعات ارگان در این دوره بر خلاف مجلس دوم پیش از افتتاح مجلس سوم به فعالیت پرداختند. در واقع، این مطبوعات از نظر سیاسی ادامه دهنده همان راه گذشته بودند. ولی تفاوت آنها با جراید ارگان گذشته این بود که آنها از مجادلات لفظی فاصله گرفتند که عمده ترین دلیل آن یکی خالی بودن عرصه برای تنازع مطبوعاتی به جهت ایام فترت سه ساله و وقوع جنگ جهانی اول بود. مطبوعات حزب دموکرات پس از ایام فترت از یک گسست تاریخی برخوردار شدند و به غیر از روزنامه نوبهار که در مشهد منتشر می شد در پایتخت خبری از انتشار روزنامه های ارگان نبود. در مجلس سوم به رغم آنکه سه گروه سیاسی فعالیت داشتند اما احزاب دموکرات و اعتدال به طور رسمی دارای مطبوعات بودند و باقی جراید تقریباً در حمایت از یکی از احزاب منتشر می شدند.

تغییر رفتار مطبوعات ارگان در این زمان و در مقایسه با وضعیت گذشته به اندازه ای است که روزنامه نوبهار قبل از مشخص شدن ترکیب پارلمان و هیات دولت نوشت: «..... ما نمی خواهیم بعد از این دولت را تنقید کنیم بلکه خود را یگانه معاضد دولت خودمان دانسته و تا بتوانیم در مراعات حفظ مراتب و شئون اولیای دولت سعی می کنیم» (پیشین، ش ۱۳۳۲، ۵۵، ص ۱). نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت این موضوع است که پس از

انتخابات مجلس سوم هیچ کدام از احزاب منافع صرف حزبی را تعقیب نمی کرد. برای نمونه روزنامه نوبهار قبل از برگزاری انتخابات که مطالب نوشتاری حزبی می توانست محملی برای پیروزی و بهره برداری آتی باشد مسائل مهم که باید پارلمان آینده به آن پردازد این گونه دسته بندی کرد: «..... نخست مسئله راه آهن ایران دوم تجارت آلمان و افزایش قونسولخانه های آن دولت سوم: مسئله استقراض و تعیین بودجه چهارم: تجدید نظر در قانون اساسی که مجرای سیاست داخلی و خارجی ما را تغییر می دهد پنجم: حل مسئله قراردادها و تصدیق هایی که در غیاب مجلس از طرف نایب السلطنه منعقد شده است» (پیشین، ش ۳۶، ص ۱). درج این مطالب به خوبی نشان می دهد که تا چه حد مطبوعات ارگان از رفتار گذشته فاصله گرفته و نقدها و پیشنهادات کلی گذشته را معطوف به ارائه برنامه به عنوان مهم ترین کار حزبی کردند.

نتیجه

۱- مطبوعات تشکیلاتی ایران هیچ گاه بر اساس نیازهای داخلی کشور بوجود نیامدند. به عبارتی شکل گیری این مطبوعات نه تنها ریشه داخلی نداشت بلکه نقش عناصر غیربومی در نگارش مطالب سیاسی و اجتماعی روزنامه های مهم به مراتب از نقش عناصر داخلی برجسته تر بود. توده مردم طبیعتاً از درک بسیاری از مسائل پیچیده آن روز که در قالب کلمات ایدئولوژیک عرضه می شد، عاجز بودند. به طوری که این مسئله را حتی می توان به قشر نسبتاً با سواد آن روز نیز تسری داد. این مسئله که برخی از روزنامه های ارگان متناسب با فهم توده، مطالب خود را عرضه نمی کردند به اندازه ای در همان دوران عیان بود که روزنامه صدای رشت (یکی از ارگان های حزب دموکرات) در مطلبی تحت عنوان «اهمیت جریده ایران نو» نوشت: «..... ما با یک سفارش مخصوص اهالی محترم را به قرائت و مداومت کردن در مطالعه جریده مزبور جلب می نمایم و این نکته را پیشنهاد عموم قارئین جراید می کنیم که عجالتاً تحصیلات علمی اشخاص و افراد بزرگ که وقت مدرسه آنها گذشته است، منحصر به جراید با مسلک است که از هر آر تیکلی [مقاله] عمده را درک خواهند نمود» (صدای رشت، ش ۱۳۲۹، ۱۹، ص ۱).

۲- صرف نظر از مطبوعات وابسته به حزب دموکرات، سایر مطبوعات تشکیلاتی رابطه ارگانیک با حزب متبوع نداشتند و حتی حاضر نمی شدند خود را سخنگوی یک حزب قلمداد نمایند. با وجود این، نقطه مشترک این جراید ناظر بر این بود که این جراید علی رغم تعهد اولیه به وزارت معارف دایر بر ابراز کردن مسلک روزنامه، اما در سر لوحه روزنامه بر این تعهد

پافشاری نمی‌کردند. یافتن پاسخ دقیق برای دلیل استنکاف جراید از پذیرش این امر، می‌تواند به تبلیغات حزب رقیب در مورد خاستگاه فکری و عقیدتی گردانندگان این جراید معطوف شود که این مسئله محدودیت‌هایی را برای آنها پدید می‌آورد.

۳- متاسفانه مطبوعات ارگان مانند برخی از مطبوعات در صدر مشروطه، در تقویت دولت و حکومت مرکزی بسیار خنثی عمل می‌کردند و نهایتاً همین رفتار آنها منجر به پی‌ریزی اسباب کودتا و انحلال مجلس دوم گردید. در این ارتباط، ملک‌الشعرا بهار مدیر روزنامه نوبهار (یکی از جراید ارگان دموکرات‌ها) سال‌ها بعد نوشت: «..... آن روز دریافتم که حکومت مقتدر مرکزی از هر قیام و جنبشی که در ایالات برای اصلاحات برپا شود صالح تر است و باید همواره به دولت مرکزی کمک کرد و هوچیگری و ضعیف ساختن دولت و فحاشی جراید به یکدیگر و به دولت و تحریک مردم ایالات به طغیان و سرکشی برای آتیه مشروطه و آزادی و حتی استقلال کشور زهری کشنده است» (بهار، ۱۳۵۷، ج ۱، صفحه ۷ و ح).

۴- ظهور مطبوعات ارگان موجب ترقی فکر سیاسی و آشنایی با الگوهای جدید اجتماعی در کشور شد و برای نخستین بار مطبوعات وابسته به احزاب با نقد برنامه‌ای و در چارچوب مشخص، نوعی از روزنامه نگاری را در کشور پایه ریزی کردند که کمترین دست آورد آن در تنزل فاحش حمله مطبوعات به ارکان حکومت قابل مشاهده بود. به عبارتی در پرتو ایجاد این گونه مطبوعات هر چند برخوردهای عقیدتی و سیاسی میان احزاب رقیب شدت گرفت؛ اما به هیچ عنوان این انتقادات قابل مقایسه با حرکات تند مطبوعات صدر مشروطه و مجالس اول نبود و هر چه از مجلس دوم جلوتر می‌رویم، رفتار و عملکرد مطبوعات ارگان در برخورد با مسائل پیرامونی واقع بینانه‌تر می‌شد.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. آدمیت، فریدون، بی تا، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، انتشارات روشنگران.
۲. اتحادیه، منصوره، ۱۳۶۱، پیدایش و تحول احزاب سیاسی در ایران، تهران، انتشارات گسترده.
۳. ایران نو، روزنامه. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، بخش میکروفیلم.
۴. براون، ادوارد، ۱۳۷۱، تاریخ ادبیات و مطبوعات ایران، ترجمه محمد عباسی، ج ۲، انتشارات امیرکبیر.
۵. بهار، محمد تقی بهار، ۱۳۵۷، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، تهران، ج ۱، انتشارات امیرکبیر.
۶. خان ملک ساسانی، احمد، ۱۳۵۴، سیاستمداران دوره قاجار، ج ۱، تهران، انتشارات بابک.
۷. دولت آبادی، یحیی، ۱۳۷۱، حیات یحیی، ج ۱، انتشارات فردوسی، تهران.
۸. ذاکر حسین، عبدالرحیم، ۱۳۷۰، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. رسا، شاپور، ۱۳۶۳، نهضت میرزا کوچک خان جنگلی، تهران، چاپ پخش.

۱۰. روح القدس، روزنامه. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. بخش میکروفیلم.
۱۱. سرداری نیا، صمد. ۱۳۶۳. نقش مرکز غیبی تبریز در انقلاب مشروطیت ایران، تبریز، انتشارات تلاش.
۱۲. صدای رشت، روزنامه. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. بخش میکروفیلم.
۱۳. صدر هاشمی، محمد. بی تا. تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲. چاپخانه اصفهان.
۱۴. صوراسرافیل، روزنامه. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و تبریز. بخش میکروفیلم.
۱۵. کامبخش، عبدالصمد. ۱۳۶۰. نظری بر جنبش کارگری در ایران، تهران، انتشارات حزب توده.
۱۶. کسروی، احمد، ۱۳۷۸، تاریخ هجده ساله آذربایجان، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۷. کهن، گوئل، ۱۳۶۲، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ج ۱، انتشارات آگاه.
۱۸. مجاهد، روزنامه. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و تبریز. بخش میکروفیلم.
۱۹. مجلس، روزنامه. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. بخش میکروفیلم.
۲۰. مولانا، حمید، ۱۳۵۸. سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، تهران، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
۲۱. مومنی، باقر. ۱۳۵۷. صوراسرافیل، تهران. چاپ فراین.
۲۲. محیط طباطبائی، محمد. ۱۳۶۶، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، انتشارات بعثت.
۲۳. نوبهار، روزنامه. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و تبریز. بخش میکروفیلم.
۲۴. یادگار، مجله، سال یکم، شماره ۷، صص ۱۷-۱۵. نقل از کتاب مردم و آنچه که من در ایران دیدم، نوشته کارلاسرنا.

ب. خارجی:

1. Oxford Advanced Learners Of Dictionary, 1987, Of Current English Oxford University, Prees.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی